

A painting of a woman in classical attire, possibly a Greek or Roman figure, standing on a balcony or terrace. She is wearing a white dress with a dark shawl and a gold belt. She is looking out over a cityscape with a large sun or moon in the sky. The scene is set in a classical architectural style with columns and statues.

ମହିଳା

ରାଜ୍ୟ ରାଜିନ

ରାଜ୍ୟ ରାଜିନ
ମହିଳା ରାଜିନ

2009 ମସିହା 2 ମସିହା

محتویات و فهرست مطالب

فصلنامه علمی

3	فهرست
5	پژوهش
6	مطالعه‌ی ...
8	مطالعه‌ی
9	مطالعه

در بخش فارسی

12	اخبار انجمن
13	ما و فمینیسم!
15	تأثیر زبان سریانی در زبان فارسی
16	از خاطرات یک زن
18	گفتگوی ما

1. **2009: 2: 2**
 2. **2009: 2: 2**
 3. **2009: 2: 2**
 4. **2009: 2: 2**
 5. **2009: 2: 2**
 6. **2009: 2: 2**
 7. **2009: 2: 2**
 8. **2009: 2: 2**
 9. **2009: 2: 2**
 10. **2009: 2: 2**
 11. **2009: 2: 2**
 12. **2009: 2: 2**
 13. **2009: 2: 2**
 14. **2009: 2: 2**
 15. **2009: 2: 2**
 16. **2009: 2: 2**
 17. **2009: 2: 2**
 18. **2009: 2: 2**
 19. **2009: 2: 2**
 20. **2009: 2: 2**
 21. **2009: 2: 2**
 22. **2009: 2: 2**
 23. **2009: 2: 2**
 24. **2009: 2: 2**
 25. **2009: 2: 2**
 26. **2009: 2: 2**
 27. **2009: 2: 2**
 28. **2009: 2: 2**
 29. **2009: 2: 2**
 30. **2009: 2: 2**
 31. **2009: 2: 2**
 32. **2009: 2: 2**
 33. **2009: 2: 2**
 34. **2009: 2: 2**
 35. **2009: 2: 2**
 36. **2009: 2: 2**
 37. **2009: 2: 2**
 38. **2009: 2: 2**
 39. **2009: 2: 2**
 40. **2009: 2: 2**
 41. **2009: 2: 2**
 42. **2009: 2: 2**
 43. **2009: 2: 2**
 44. **2009: 2: 2**
 45. **2009: 2: 2**
 46. **2009: 2: 2**
 47. **2009: 2: 2**
 48. **2009: 2: 2**
 49. **2009: 2: 2**
 50. **2009: 2: 2**
 51. **2009: 2: 2**
 52. **2009: 2: 2**
 53. **2009: 2: 2**
 54. **2009: 2: 2**
 55. **2009: 2: 2**
 56. **2009: 2: 2**
 57. **2009: 2: 2**
 58. **2009: 2: 2**
 59. **2009: 2: 2**
 60. **2009: 2: 2**
 61. **2009: 2: 2**
 62. **2009: 2: 2**
 63. **2009: 2: 2**
 64. **2009: 2: 2**
 65. **2009: 2: 2**
 66. **2009: 2: 2**
 67. **2009: 2: 2**
 68. **2009: 2: 2**
 69. **2009: 2: 2**
 70. **2009: 2: 2**
 71. **2009: 2: 2**
 72. **2009: 2: 2**
 73. **2009: 2: 2**
 74. **2009: 2: 2**
 75. **2009: 2: 2**
 76. **2009: 2: 2**
 77. **2009: 2: 2**
 78. **2009: 2: 2**
 79. **2009: 2: 2**
 80. **2009: 2: 2**
 81. **2009: 2: 2**
 82. **2009: 2: 2**
 83. **2009: 2: 2**
 84. **2009: 2: 2**
 85. **2009: 2: 2**
 86. **2009: 2: 2**
 87. **2009: 2: 2**
 88. **2009: 2: 2**
 89. **2009: 2: 2**
 90. **2009: 2: 2**
 91. **2009: 2: 2**
 92. **2009: 2: 2**
 93. **2009: 2: 2**
 94. **2009: 2: 2**
 95. **2009: 2: 2**
 96. **2009: 2: 2**
 97. **2009: 2: 2**
 98. **2009: 2: 2**
 99. **2009: 2: 2**
 100. **2009: 2: 2**

2009: 2: 2
2009: 2: 2

اخبار انجمن

* درگذشت روحانی محترم یوسف رشیدی کشیش کلیسای شرق آشوری موجب تأسف و تألم فراوان جامعه آشوری گردید. فقدان این روحانی ارجمند را به همه آشوریها بویژه انجمن و اعضای کلیسای شرق آشوری و خانواده محترمشان تسلیت گفته و از خداوند منان برای همه صبر و شکیبایی خواستاریم .

* دوره جدید آموزش زبان آشوری انجمن شامیرام در نیمه دوم مهر ماه شروع خواهد شد. این کلاسها در سه پایه ابتدایی ، متوسطه و عالی به سرپرستی خانم مادلین استپانوس تشکیل خواهد شد

* یک دوره مسابقه شطرنج توسط انجمن بانوان آشوری شامیرام و در سالن کلیسای شرق آشوری (حضرت مریم) و با حضور 10 نفر شرکت کننده برگزار شد. در این مسابقه آقای رام ایل یوخنه مقام اول را کسب کردند و هدیه کوچکی نیز به رسم یادگاری از طرف انجمن بانوان آشوری شامیرام تقدیم ایشان گردید.

* لوح فشرده(سی دی) جدید موسیقی خانم ویولت سرگیزی به نام:(قومون خوراواته) منتشر شده و در دسترس علاقه مندان قرار گرفته است . برای خانم ویولت سرگیزی که از هنرمندان توانا و پرکار جامعه ما هستند، آرزوی موفقیت هر چه بیشتر داریم.
* کتاب وابستگی ناسالم نوشته ملودی بیٹی با ترجمه خانم فلورا قاجاریان و توسط نشر کاکتوس منتشر شده است. این کتاب 272 صفحه ای در زمینه روانشناسی می باشد. برای خانم قاجاریان نیز آرزوی موفقیت روزافزون داریم.

بقیه از خاطرات یک زن

یک به یک جلو آمده و نگاهی دلسوزانه به من انداخته و بزیر شیر آب می رفتند . فردای آن روز بعد از شنیدن خوابم خانم دکتر همسایه گفت: نگران نباش ! خواب چندان بدی نیست. معلوم میشود که تو در عمق ناخودآگاهت قبول کرده ای که شستن ظرفها کار خودت است و دیگر تعارضی با این مسأله نداری. از خانم دکتر تشکر کردم و به خانه برگشتم و از آن روز به بعد دیگر از این خوابها ندیدم.

نوشته: شامیرام داودپوریان

ما و فمینیسم!

از زمانی که بتی فریدن سازمان دفاع از حقوق زنان را پایه گذاری کرد تا به امروز هرگاه که سخن از انجمنها و سازمانهای مربوط به زنان پیش می آید ناخودآگاه بحث فمینیسم مطرح می شود. فمینیسم در معنای کلمه بر طرفداری از حقوق زنان دلالت دارد، اما در عمل طرفداران این مثنی افرادی افراطی شناخته شده اند که دشمن مردان بوده و در این دشمنی پیرو هیچگونه منطقی نیستند. آیا لزوماً تمام انجمنهای زنان پیرو مثنی فمینیسم هستند و رابطه ما با فمینیسم چیست؟ این سؤال را باید پاسخ دهیم تا هیچگونه شک و شبهه ای در رابطه با فعالیت انجمن شامیرام در ذهن دوستان و اعضا باقی نماند.

میتوان گفت که جامعه آشوری دارای شرایط ویژه ای در مقایسه با دیگر جوامع است که موجب می شود تا هر گونه فعالیت اجتماعی نیز در آن ویژگی های خاص خود را داشته باشد. جامعه ما با مشکلاتی مانند پراکندگی اعضا و مهاجرت روز افزون و لزوم حفظ زبان و آداب و فرهنگ خود روبرو است و این خود تلاش فوق العاده ای را می طلبد که بر عهده نیروهای آگاه و متعهد آشوری می باشد. از این رو است که نه تنها مردان بلکه زنان آشوری نیز بیش از پیش وارد عرصه فعالیت اجتماعی شده و در جهت رفع کاستیهای موجود پا به پای مردان پیش میروند. تشکیل انجمن بانوان آشوری شامیرام نیز بر اساس همین تفکر صورت گرفته است.

واقعیت این است که هیچگونه تفکر فمینیستی و هیچگونه لزومی برای دست یازیدن به فعالیتهای فمینیستی در جامعه ما احساس نمیشود زیرا ما اعتقادی به ضدیت با مردان نداشته بلکه معتقدیم که جوامع بشری در برگیرنده هر دو جنس مرد و زن بوده و این دو مکمل همدیگر هستند و با همکاری و همدلی با یکدیگر قادر خواهند بود که مشکلات عظیم جهانی مانند فقر و نابرابری و بیسوادی و آلودگی محیط زیست و ... را برطرف کنند. و در عین حال با وجود اینکه تبعیضهای موجود در جوامع گوناگون را نمیتوان نفی کرد ولی اعتقاد داریم که راه حل واقعی برای رفع این تبعیضها دشمنی و مبارزات خشن نیست بلکه تنها راه حل این مشکلات راه حل فرهنگی است. مردانی که در اطراف ما حضور دارند، دشمنان ما نیستند بلکه پدران، برادران و همسران ما هستند. آنها نیز مانند زنان خود کار میکنند و زحمت میکشند و از سختیهای زندگی رنج میبرند. چنانچه هر زنی بعنوان یک مادر به فرزند پسر خود عشق و احترام به زن و همسر و

خواهر خود را بیاموزد و این را که به آنان به چشم یک انسان بنگرد، اگر هر مردی در خانه همانگونه که به مادر خود احترام میگذارد عشق و علاقه اش را به زن و فرزندش نیز ابراز کند و آنها را محرم خود و نه غریبه بداند، جایی برای تبعیضهای موجود باقی نخواهد ماند .

زنان آشوری در طول تاریخ پرفراز و نشیب جامعه همواره ایفاگر نقش سازنده ای بوده و همراه و دوشادوش برادران و پدران و همسران خود سختیهای روزگار را از سر گذرانده اند. روزهای سخت تاریخی، آواره گیهای کشنده جنگهای اول و دوم و... را زنان و مردان ما با هم تاب آورده ، از پرتگاه مرگ و نیستی گذشته اند و افتان و خیزان با هم برای رسیدن به یک آینده روشن گام برداشته اند . زنان نامداری همچون جودت خانم موجب سربلندی زنان آشوری هستند. جودت خانم در یکی از بحرانی ترین موقعیت های تاریخی جامعه ما، فرشته نجات مردم شد . او که فرزند کشیش اوراهیم مورهاج و همسر کشیش یعقوب داوید بود، پس از مهاجرت همگانی آشوریهها از اورمیه تمام آوارگانی را که بی پناه بر جا مانده بودند سرپرستی نموده و هزاران تن را از مرگ و نابودی حتمی نجات داد. او البته تنها یک نمونه از زنان قابل ستایشی است که جامعه آشوری در دامان خود پرورده است. و نام او نه بخاطر دشمنی با مردان بلکه به خاطر فعالیتهای خالصانه و انسان دوستانه اش در تاریخ ماندنی است. او یک نمونه و الگو برای زنان آگاه آشوری است ، زنانی که همواره اسوه کوشش و فداکاری و از خود گذشتگی و پاکیزگی بوده اند و آن هنگام که خانه و کاشانه خود را در خطر ببینند همچون یک ماده شیر از هر آنچه دارند دفاع میکنند. نمونه دیگر زنان آشوری سورمه خانم خواهر مار بنیامین شمعون پاتریارک و رهبر کلیسای شرق آشوری میباشد که در یکی از سختترین روزهای تاریخ مردم ما یعنی بعد از جنگ جهانی اول و در شرایطی که جامعه آشوری از رهبریت همیشگی خود محروم شده بود سکان رهبری را بعهده گرفت مانند یک مرد به رتق و فتق امور پرداخت و حتی بعنوان نماینده و سفیر آشوریهها به کشور انگلیس رفته و با مقامات انگلیسی در مورد آینده جامعه آشوری به مذاکره و گفتگو پرداخت. این نمونه ها مؤید این امر است که زنان ما در فعالیتهای اجتماعی خوداز الگوهای بسیار کاملی برخوردارند و حتی اکنون در قرن بیست و یکم در سرتاسر جهان زنان قابل ستایش بسیاری وجود دارند که نه تنها یک مادر و همسر خوب هستند، بلکه در رابطه با جامعه آشوری نیز بسیار فعال بوده و از ستونهای فعالیت اجتماعی آن بشمار میروند.

تأثیر زبان سریانی در فارسی

ابوریحان بیرونی در کتاب صیدنه خود مینویسد: "در دست اطبای نصاری کتابی یافتیم که آن را بشاق سماهی گویند یعنی تفسیر نامها و آنرا چهار نام نیز گویند. بدان معنی که هر یک از ادویه را به لغت سریانی و رومی و عربی و فارسی نام بگوید." از این گفتار معلوم میشود که بیرونی بر زبان سریانی تسلط کامل داشته است. همچنین در تاریخ بیهقی آمده است: "تذکره نبشته آمد و خواجه بونصر بر وزیر عرضه کرد و آنگاه هر دو را ترجمه کرد بیارسی و تازی بمجلس هر دو را بخواند و سخت پسند آمد." بقول نویسنده کتاب اگر این تذکره معما(رمز) نبوده باشد، یقیناً بزبان سریانی بوده است.

زبان سریانی که شاخه غربی زبان آرامی جدید است قرن‌ها زبان مسلط بر دنیای متمدن بود و این تسلط حتی بعد از برافتادن امپراطوری آشور نیز ادامه داشته است خانم آن ماری شیمل ایران شناس معروف در کتاب جالب خود بنام "از زبان داریوش" اشاره میکند که هخامنشیان در اداره امپراطوری بزرگ خود نه تنها از هنر و فرهنگ آشوری بلکه از زبان سریانی نیز بعنوان زبان رسمی و اداری کشور استفاده می کردند. یعقوبی در میانه قرن سوم هجری نوشته است: لغت نامه آنها(اشکانیان) سریانی بود که با آن میگفتند و مینوشتند. (پژوهش واژه های سریانی در زبان فارسی). عمید زنجانی در همین کتاب مینویسد: "زبان عرب تا عصر اسلام یکی از لهجه های سریانی بود." این زبان (سریانی) زبان قریشیان نیز هست. و نیز "مانی شخصیت معروف تاریخی که خود را پیامبر نامیده و کتاب راهنمایش بنام ارژنگ بود تمام کتابهای خود را بغیر از شاپورگان به زبان سریانی نوشته است." این امر میرساند که زبان سریانی در آن زمان زبان رسمی کشور ایران بوده است.

اکنون پس از گذشت قرن‌ها زبان سریانی اهمیت سابق خود را از دست داده است و تنها بوسیله تعداد اندکی از ساکنان ایران و عراق و سوریه و ترکیه مورد استفاده قرار میگیرد. لازم به ذکر است که زبان آشوری و سریانی دو لهجه مربوط به شاخه جدید زبان آرامی هستند. اکنون ما آشوریها در مکالمات روزانه خود کلماتی را بکار میبریم که در زبان فارسی نیز مورد استعمال قرار میگیرند و ما آنها را بعنوان کلمات فارسی میشناسیم و گاهی اوقات میکوشیم برای پالایش زبان آشوری از کلمات جانشین برای آنها استفاده کنیم. غافل از اینکه این لغات از زبان سریانی وارد زبان فارسی شده اند.

از آنجا که این موضوع همیشه مورد توجه آشوریه‌ها بوده است بر آن شدیم از طریق یک سلسله مقاله ضمن مرور این کلمات اطلاعات بیشتری در مورد زبان مادری خود کسب کرده و در هنگام بکار بردن آنها نیز شک و تردید بخود راه ندهیم. در این نوشته علاوه بر کتاب ارزشمند آقای جلیل اخوان زنجانی بنام (پژوهش واژه های سریانی در زبان فارسی) از کتاب برعم اللغه (بِهَلْمَ دِ يَخْتِنَ) نوشته عودیشو ملکو آشینا نویسنده و شاعر توانای آشوری نیز سود برده ایم.

لغات آشوری در زبان فارس

2

بُهتَدِن: (ابزار) ریشه این لغت فعل **بُهتَد** است بمعنای ثبت کردن، نوشتن و قید کردن و مشتقات دیگر آن عبارتند از **بُهتَدِه**؛ **بُهتَدَه**؛

بُهتَدِن: آجر

بُهتَد: (اخذ کردن، گرفتن) و کلمه **بُهتَدِن** (حاکم) از آن مشتق شده است.

بُهتَدِن: (افسار)

بُهتَد: (ارزان) و مشتقات آن عبارتند از **بُهتَدِه** ، **بُهتَدِه**؛

بُهتَد: 1/6 دونیم = واحد مساحت. ریشه آن **بُهتَد** به معنی کشت و زرع کند است **بُهتَد** که همان اجاره است و **بُهتَدِن** بمعنای خادم و اجیر

بُهتَد: (امر) گفتن

بُهتَد: آمین

بُهتَدِن: انبار که فرم صحیح آن **بُهتَدِن** و ریشه آن **بُهتَد** است بمعنای ذخیره کردن و انبار کردن

بُهتَد: انسان

بُهتَدِن: اسطبل

بُهتَد: اسیر و ریشه آن **بُهتَد** بمعنای بستن و اسیر کردن است

بُهتَد: ثنوی که از ریشه **بُهتَد** بمعنای مضاعف کند و دو برابر کند است. و از مشتقات آن **بُهتَد** بمعنای مضاعف و مکرر میباشد.

بُهتَد: او، علامت تعجب

ادامه مطلب در شماره آینده

چند شب پیش خواب خیلی ترسناکی دیدم. در خوابم در حال شستن ظرفها بودم، کوهی از ظرف جلوی رویم بود و من هر چه می شستم تمام نمیشد. یکدفعه ظرفها از جایشان بلند شدند و در هوا به پرواز درآمدند و به طرف من حمله کردند. من از ترس پا به فرار گذاشتم، از آشپزخانه به طرف اتاق نشیمن دویدم و همینطور که نفس نفس میزدم از خواب پریدم. خیس عرق بودم و از شدت اضطراب دیگر نتوانستم بخوابم. بلند شدم و تلویزیون را روشن کردم و یکی دو ساعت همینطور نشستم تا حالم جا آمد.

صبح که شوهرم و بچه ها بیدار شدند خوابم را برایشان تعریف کردم. همه خندیدند و حسابی سر بسرم گذاشتند. بعداً که قضیه را برای خانم همسایه مان که پزشک روانشناس و این جور مواقع پزشک بی جیره و موجب است گفتم، گفت: معلوم میشود که خیلی به کمک احتیاج داری. این خواب نشان میدهد که تو تحت یک فشار شدید روحی هستی و خیلی خسته ای. شب که این را برای بقیه گفتم با تمسخر گفتند: دو تا ظرف شستن که این حرفها را ندارد! بعد از بحث و جدل فراوان قرار شد بچه ها و شوهرم بمن کمک کنند. با کمک هم یک جدول کاری درست کردیم و به دیوار آشپزخانه زدیم تا هر کدام به نوبت ظرفها را بشویند و به این ترتیب از فشار روحی من کم شود.

اولین نفر شوهرم بود که باید ظرفها را می شست. به محض اینکه سفره شام را جمع کردیم اعلام کرد که یک قرار کاری مهم دارد و ظرفها بماند برای بعد. بعد از رفتن او مجبور شدم آنها را بشورم چون معلوم نبود کی برمیگردد. روز بعد که نوبت دخترم بود بدون حرف پیشبند را به کمرش بست و کارش را شروع کرد. من هم با خوشحالی دراز کشیدم و مشغول خواندن مجله شدم و همینطور که مطالعه میکردم خوابم برد. بعداً که برای درست کردن چای وارد آشپزخانه شدم یک لحظه دچار برق گرفتگی شدم چون دیدم کف آشپزخانه جای راه رفتن نیست. خوب که نگاه کردم دیدم دخترم کاسه بشقابها را شسته اما دیگ و قابلمه و ماهیتابه را خیسانده و کف آشپزخانه ولو کرده. مجبور شدم باز دست بکار شده و خودم بقیه ظروف را بشویم. روز سوم که نوبت پسرم بود چنان سمفونی از صدای شکستن بشقابها راه انداخته بود که نشستم و یک فصل گریه کردم. آخر انگار که با لشکر مغول میجنگد، نصف سرویس غذاخوری را بهلاکت رسانده بود. چند روزی به این ترتیب گذشت. شب پنجم باز خواب ظرفها را دیدم اما این دفعه بمن حمله نکردند بلکه

گفتگوی ما

خانم ویولت سرگیزی چهره شناخته شده ای برای تمام آشوریه‌ها چه در داخل و چه در خارج از ایران میباشد. او از آن دسته از هنرمندان است که به هنر خود عشق می‌ورزند و بعلت دارا بودن سبک خاص خود متمایز از دیگران هستند. بر آن شدیم تا با ایشان بعنوان یک بانوی فعال چه از نظر هنری و چه از نظر اجتماعی گفتگویی داشته باشیم.

س: خانم سرگیزی خودتان را معرفی کنید از سابقه فعالیت خود بگویید.
ج: ویولت سرگیزی هستم و اهل خسروآباد سلماس. من از خردسالی از زمان تحصیل پی بردم که ته صدایی دارم و از 14 سالگی شروع به خواندن در گروه کر کلیسا کردم. اما رسماً 15 یا 16 سال است که بعنوان یک خواننده فولکلور فعالیت میکنم.

س: تا کنون چند سی دی منتشر کرده اید؟
ج: جمعاً 5 سی دی که شامل: قالاد لیبی، قالاد اومتا، خویادا د اومتا، آوازهای کلیسایی و آخرین سی دی قومون خوراواته است.

س: در صورت امکان در مورد آخرین سی دی توضیح بیشتری بدهید.
ج: مدت دو سه سال طول کشید تا این سی دی آماده شد. بعلت گرفتاریها و مسافرتها که پیش آمد و اینکه این سی دی زحمت بیشتری نسبت به سی دی های قبلی داشت چون تعدادی از اشعار ترانه ها باید از لهجه سریانی به لهجه آشوری ترجمه می شد. البته در این سی دی چند شعر هم از خانم شامیرام داودپوریان و آقای باباجان لازاریان مورد استفاده قرار گرفت. اما با تمام مشکلات بالاخره به نتیجه رسید. بیشتر ترانه های این سی دی ملی است و آهنگهای عاشقانه کمتری نسبت به قبلیها دارد. در حال حاضر این سی دی در دسترس دوستداران قرار دارد و در اروپا هم پخش شده است.

س: آیا از این کار آخر راضی هستید؟
ج: در آن حدی که می خواستم نه چون انتظار بیشتری از خودم داشتم اما بعلت مشکلاتی که پیش آمد نتوانستم در حد توان خودم کار کنم. دلم می خواست بیشتر از این برای جامعه آشوری فعالیت کنم.

س: به نظر شما چگونه می توانید به جامعه خود خدمت کنید؟
ج: همیشه تمام فکرم این بوده که از طریق هنرم به جامعه کمک کنم. به نظر من هنر

از هر نوع میتواند آموزنده باشد. یعنی میتوان منظور و مقصود خود را از راه هنر چه سینما و چه موزیک و چه نمایش و... به مردم رساند. من از طریق آهنگهای می خواهم صدایم را به گوش جوانها برسانم تا بدانند که چه وظیفه ای در قبال جامعه خود دارند. س: نظرتان درباره فعالیت اجتماعی زنان چیست؟

ج: در این دنیای بزرگ زن برای فعالیت اجتماعی خود چه فعالیت شغلی و چه دیگر فعالیتها باید در درجه اول تحصیلات بالا داشته باشد. چون باید فرزند بزرگ کند و مادر خوبی باشد. همینطور کارمند خوب و هنرمند خوب. و در درجه دوم باید روی پای خود بایستد.

س: میدانیم که مشغول یادگیری زبان آشوری هستید. چه شد که دست به این کار زدید؟ ج: من همیشه به زبان مادری علاقه داشتم چون با فعالیتی که دارم همیشه از این نظر احساس کمبود کرده ام. گاهی به آشوریهایی برمی خورم که هیچ زبان مشترک نداریم بغیر از زبان مادری. به همین جهت سعی میکنم این زبان را یاد بگیرم و بنظر خودم خیلی هم خوب پیشرفت کرده ام و امیدوارم بتوانم آهنگهایم را به زبان آشوری بنویسم. س: چه توصیه ای به زنان آشوری دارید؟

ج: زنان ما باید بدانند که از عهده هر کاری برمی آیند چون بشر تواناییهای بسیاری دارد که باید آنها را پرورش دهد هر چند ممکن است سخت باشد ولی نباید اجازه دهند که راه پیشرفتشان مسدود شود.

س: زنان ما چگونه میتوانند در پیشرفت امور جامعه خود مؤثر باشند؟

ج: جامعه ما محتاج کمک تک تک اعضای خود است و وظیفه ماست که فرزندانمان را طوری تربیت کنیم که جامعه خود را دوست داشته باشند و مسایل جامعه آشوری برایشان مهم باشد و برای آن وقت بگذارند. ما هیچگاه به جایی نخواهیم رسید مگر برای امور مختلف جامعه مان وقت بگذاریم و نیرو صرف کنیم. در این صورت جامعه ما همیشه زنده خواهد ماند.

س: و حرف آخر؟

ج: محبت و احترام و سعی و کوشش برای جامعه مان. این مردم را هرگز نباید فراموش کنیم. در هر کشوری که هستیم نباید هویت خود را فراموش کنیم چون وجود ما به هویت ما بستگی دارد. ما اگر خودمان باشیم یعنی آشوری باشیم همه ملتها و اقوام ما را دوست خواهند داشت چون هر چیزی اگر اصیل باشد ارزشمند است و اگر ما مقلد دیگران باشیم هیچ ارزش و احترامی نخواهیم داشت.



شامیرام

بولتن داخلی
انجمن بانوان آشوری شامیرام

شماره 2 پاییز 2009